خبر

نفت ایران در سبد روس‌ها

● **مهر:** روسیه به منظور تثبیت بازار نفت اورال خود در اروپا، مذاکراتی را به منظور خرید نفت از ایران آغاز و پیشنهاد کرده است تا ایران طرح سوآپ معکوس نفت از جنوب به شمال کشور را راه‌اندازی کند. در حال حاضر روسیه با کنارگذاشتن عربستان سعودی به بزرگ‌ترین تولیدکننده نفت جهان تبدیل شده است به‌طوری‌که ظرفیت تولید روزانه نفت بیش از ۱۰میلیون بشکه بوده که از این میزان، بیش از ۴/۷میلیون بشکه آن صادر و حدود ۵/۸ تا ۵/۹میلیون بشکه آن پالایش می‌شود. با وجود این پس از تحریم صادرات نفت ایران توسط ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا، این روزها نفت خام «اورال» روسیه مشتریان متعددی در قاره سبز برای خود دست‌وپا کرده است. بر این اساس با کاهش و سپس توقف صادرات نفت ایران به اروپا، روس‌ها از این فرصت طلایی برای تصاحب بازارهای نفتی ایران در اتحادیه اروپا استفاده کرده‌اند به‌طوری‌که آمارهای رسمی حاکی از آن است که فقط صادرات نفت اورال روسیه به اروپا از مرز دومیلیون و۲۰۰هزار بشکه در روز عبور کرده است. مهم‌ترین ویژگی نفت اورال روسیه آن است که این طلای سیاه در مقایسه با نفت کشورهای عربی حاشیه خلیج‌فارس و ایران شیرین‌تر و هزینه حمل آن ارزان‌تر است. اخیرا روس‌ها یک خط لوله جدید نفتی به نام «خط لوله دوستی یا دراژبا» طراحی و راه‌اندازی کرده‌اند که با بهره‌برداری دولت مسکو از این شاه‌لوله نفتی به‌عنوان طولانی‌ترین خط لوله نفت جهان، جا برای طلای سیاه روس‌ها در قاره سبز، بیش از گذشته باز شده است. در همین حال روسیه به منظور تثبیت بازارهای نفت خود در اروپا و با توجه به کاهش تولید نفت در برخی از میادین قدیمی، اخیرا یک سیاست جدید نفتی در دستور کار قرار داده است به‌طوری‌که دولت مسکو نفت کشورهای آذربایجان و قزاقستان را خریداری کرده و با مخلوط‌کردن با نفت اورال خود، تحت عنوان نفت «اورال» به بازار اروپا عرضه می‌کند.

روسیه مشتری نفت ایران شد

از سوی دیگر پس از تحریم نفتی ایران توسط اتحادیه اروپا، روسیه اخیرا علاقه خود به واردات نفت از ایران را اعلام کرده و حتی مذاکرات مشترک نفتی بین تهران - مسکو برای فروش نفت به این کشور آغاز شده است. در این بین مقامات روسیه به ایران پیشنهاد کرده‌اند که خط لوله سوآپ معکوس نفت را راه‌اندازی کنند به طوری‌که امکان انتقال نفت از میادین جنوبی ایران به حاشیه دریای خزر فراهم شود. در همین حال اخیرا شرکت ملی نفت ایران لایروبی پایانه نفتی نکا را آغاز کرده است تا امکان افزایش عمق آبخور و پهلوگیری نفتکش‌های غول‌پیکرتر در این پایانه نفتی در حاشیه جنوبی دریای خزر فراهم شود. تحلیلگران معتقدند علت اصلی این پیشنهاد نفتی روسیه به ایران، بازار خوب و موجود در اروپا برای نفت اورال است و عامل دوم، افزایش اختلاف قیمت نفت اورال نسبت به نفت خام‌های حوزه دریای خزر است. بنابراین چنانچه بازار نفت خام اورال در اروپا حفظ شده و افزایش یابد، پیش‌بینی می‌شود که روسیه واردات نفت خام خود را از کشورهای حوزه دریای خزر افزایش دهد. از سوی دیگر چنانچه نفت خام ایران برای مدتی طولانی در بازار سنتی و استراتژیک مدیترانه حذف شود و با توجه به برنامه‌ریزی‌های گسترده روسیه برای صادرات نفت اورال بیشتر به اروپا عملا امکان بازپس‌گیری این بازار استراتژیک برای ایران غیرممکن خواهد شد.

مالباختگان «صدرا» به پول خود می‌رسند؟

● **ایسنا:** برخی از مالباختگان شرکت تامین خودرو «صدرا» در پروژه نوسازی خودروهای فرسوده، در تماس با خبرگزاری ایسنا از مشکلات خود گفته‌اند. چند سال پیش ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور در راستای جایگزینی و از رده خارج‌کردن خودروهای فرسوده، طرح ویژه‌ای را در این زمینه آغاز کرد. براساس این طرح، صدرا به‌عنوان شرکت طرف قرارداد، برای جایگزینی خودروهای فرسوده تعیین و به مالکان خودروهای فرسوده معرفی شد به‌گونه‌ای که این افراد می‌توانستند از طریق مراجعه به این شرکت و پرداخت حدود ۱۰میلیون‌تومان وجه نقد و استفاده از حدود ۱۰میلیون‌تومان تسهیلات بانکی نسبت به دریافت خودروهای جایگزینی مانند پژو پارس اقدام کنند. با این حال بسیاری از افرادی که وجوه مدنظر را به حساب شرکت صدرا واریز کرده‌اند تاکنون موفق به دریافت خودرو مدنظر خود نشده‌اند. از آن گذشته این شرکت از بازپرداخت وجوه واریزی این افراد نیز خودداری کرده است. مسعود حسن‌زاده - یکی از مالباختگان شرکت صدرا - در این زمینه می‌گوید: سوم آبان‌ماه سال گذشته مبلغ ۲۰میلیون‌تومان به حساب شرکت صدرا برای دریافت پژو پارس دوگانه‌سوز واریز کردم با این حال اگرچه در قرارداد منعقده زمان تحویل ۶۰ روز کاری عنوان شده بود اما هنوز موفق به دریافت خودرو خود نشده‌ام. وی با بیان اینکه پس از مدت‌ها پیگیری از دریافت خودرو خود ناامید شده و خواستار اخذ وجه واریزی شدم، تصریح کرد: با این حال مسوولان شرکت از پرداخت این پول نیز خودداری می‌کنند. در این زمینه تعداد زیادی از مالباختگان به دادگستری شکایت کرده و به دنبال دستور قضایی، تمام دفاتر شرکت صدرا در تهران پلمپ و حکم جلب مدیرعامل این شرکت نیز صادر شده است. حسن‌زاده افزود: مسوولان صدرا پس از مدت‌ها پیگیری چکی را به تاریخ بیست‌ودوم خردادماه سال‌جاری برای دریافت مطالبات ارایه کردند که آن چک نیز به دلیل نبودن موجودی، برگشت خورده است. وی اظهار می‌کند: در شرایطی که صدرا طرف قرارداد ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور بوده و تمام مالباختگان از طریق این ستاد و دفاتر خدمات پیشخوان دولت به صدرا معرفی شده‌اند اما ستاد مدیریت حمل‌ونقل و سوخت کشور هیچ‌گونه همکاری برای احقاق حقوق مالباختگان نکرده.

ارزیابی سعید لیلاز از پیروزی روحانی:

کارگر و کارفرما متحد شده‌اند

مهدی الیاسی

عکس: مهدی حسنی، شرق

چه شد روحانی روی کار آمد و پیروز انتخابات شد؟ دلایل سیاسی بسیاری می‌توان بر این اتفاق برشمرد اما این تحول ریشه‌های زیرین دیگری نیز دارد از جمله آنکه در هشت‌سال گذشته وضع به‌گونه‌ای پیش رفت که قشرهای معارض و رودرروی هم، به‌هم نزدیک شدند. مثل کارگران و کارفرمایان. این از فواید دولت مهرورز بود که تفاوت‌ها را به ائتلاف‌های اجباری کشاند. سعید لیلاز در این خصوص معتقد است نیروهای چپ و راست در سال‌های گذشته میل به میانه و مرکز سیاست کردند که پیروزی روحانی حاصل این اراده بود. این کارشناس برجسته اقتصاد سیاسی معتقد است سال‌های آینده ایران رشد و شکوفایی انفجاری را تجربه می‌کند.

عمده تحلیل‌هایی که تاکنون از پیروزی آقای روحانی ارایه شده با رویکردی سیاسی بوده است. پیروزی ایشان در انتخابات را از موضع «اقتصاد سیاسی» چگونه می‌توان تحلیل کرد؟

ببینید؛ هم در دو دهه منتهی به پیروزی انقلاب، یعنی دهه‌های ۴۰ و ۵۰ و هم بعد از پیروزی انقلاب در دهه ۷۸ به مدت ۱۶سال یک طبقه مولد ثروت در ایران شکل گرفت که این طبقه مولد ثروت؛ پایه‌های ملی داشته و دارد. یعنی پایه‌هایش در داخل کشور است و سعی می‌کرد از طریق سرمایه‌گذاری و همین‌طور جذب سرمایه خارجی به تولید ثروت بپردازد. این طبقه در اواخر دوره پهلوی تحت‌فشار شدید بورژوازی کمپرادور قرار گرفت و جالب اینجاست که در دوره آقای احمدی‌نژاد هم عینا تحت‌فشار همان بورژوازی با همان ویژگی‌ها قرار گرفت. یعنی بورژوازی‌ای که به جای تولید در داخل صرفا به واردات از خارج مشغول بوده است. در دوره احمدی‌نژاد بورژوازی تولیدی و ملی تحت فشار عظیمی قرار گرفت. به‌گونه‌ای که آمارها در حوزه سرمایه‌گذاری صنعتی نشان می‌دهد که از اواخر سال ۱۳۸۶ و اوایل سال ۸۷ رشد سرمایه‌گذاری صنعتی در ابتدا کند می‌شود؛ بعد متوقف و سپس نزولی می‌شود و هرگز هم افزایشی نمی‌شود. یعنی در سال ۱۳۹۰ میزان تشکیل سرمایه صنعتی در ایران به قیمت ثابت حدود ۴۰درصد سال ۸۳ بوده است. این در حالی است که در همین دوره درآمد ایران سه‌برابر شده است. سرمایه‌گذاری عمرانی دولت در سال ۹۰ به قیمت ثابت تقریبا کمتر از سال ۸۳ بوده است. در حالی که درآمد نفتی دولت سه‌برابر شده. جهت‌گیری همه درآمدهای نفتی دولت احمدی‌نژاد به سمت واردات بود. البته استدلال ظاهری دولت این بود که می‌خواهیم تورم را مهار کنیم. در حالی که تورمی که خود دولت ایجاد می‌کرد نیاز به سرکوب کردن نداشت. کافی بود دولت جلو چاپ پول را بگیرد. برای اینکه جلو چاپ پول را بگیرد کافی بود که دولت جلو هزینه‌های جاری‌اش را بگیرد. کافی بود که برنامه چهارم را اجرا می‌کرد. چون هیچ‌کدام از این کارها را انجام نداد؛ نتیجه آن بروز امواج تورمی در اقتصاد ایران بود. برای سرکوب امواج تورمی شروع کردند به‌استفاده از دلارهای نفتی بادآورده و گسترش واردات که به فشار عظیم بر نیروهای مولد داخلی در حوزه‌های گوناگون تولیدی، صنعتی، کشاورزی و کارگری منتهی شد.

درواقع دولت احمدی‌نژاد پس از افزایش بهای نفت، برای مهار تورم به همان راهکارهایی متوسل شد که قبل از انقلاب تجربه شده بود؟

بله؛ دقیقا؛ جالب است که بدانید در سال ۱۳۵۲ روزی نخست‌وزیر به مجلس رفت و گفت: من افتخار دارم به عرض ملت ایران برسانم که ما برای کاهش قیمت تخم‌مرغ، امروز با هواپیما تخم‌مرغ وارد کردیم. جالب است که در سال ۱۳۹۰ هم برای مهار قیمت تخم‌مرغ دولت با هواپیما تخم‌مرغ وارد کرد. یعنی می‌بینیم چه قبل و چه بعد از انقلاب به محض اینکه قیمت نفت بالا رفت، رفتارهای مشابه رخ داد. این مسایل؛ نیروهای مولده متکی به سرمایه‌گذاری و اشتغال داخل را به‌شدت تحت فشار قرار داد. البته نیروهای مولده داخلی این‌بار بسیار نیرومندتر از دهه ۵۰ بودند. این نیروها هم توانمندتر هستند و هم تجربه گذشته را داشتند. اینها با اتکا به نیروی اجتماعی پشتیبان خودشان توانستند که در انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ ورق را برگردانند. الان شاهد این هستیم که کارگران و کارفرماها به لحاظ سیاسی متحد شده‌اند. این در تاریخ ایران خیلی سابقه ندارد. چون ملت ایران علاوه بر فشارهایی که در سال‌های اخیر تحمل کرد، به یک درک سیاسی بسیار بالا هم دست پیدا کرد که با توجه به این درک سیاسی متوجه می‌شود که ریشه گرفتاری‌اش از کجاست. یعنی وقتی که کارگران و کارمندان بنگاه‌های اقتصادی می‌بینند که بنگاه‌های اقتصادی در آستانه تعطیلی‌اند یا سطح دستمزدها پایین است، متوجه می‌شوند که صاحب بنگاه مقصر نیست یا اگر سرمایه‌ها از کشور به خارج می‌رود به‌دلیل نامساعد بودن فضاست. ما با همین سرمایه‌گذاران در دولت‌های هاشمی و خاتمی در بخش تولید با ایجاد ۴۰۰هزار شغل سالانه آغاز کردیم و به حدود ۸۰۰هزار شغل سالانه رسیدیم. چرا در دولت آقای احمدی‌نژاد دریغ از ایجاد ۱۴هزار شغل سالانه در بخش تولید؟

یعنی کارگر و کارفرما و درواقع کل نیروهای مولده جامعه ایرانی تحت فشار شدید یک طبقه نوظهوری قرار گرفتند که اتکایش به درآمدهای نفتی بود و به‌جای اینکه مثل دولت اصلاحات این درآمدهای نفتی را به سرمایه‌گذاری صنعتی و تولیدی تبدیل کند؛ شروع کرد به واردات. چون پروژه آقای احمدی‌نژاد اساسا پروژه بلندمدت نبود. من آقای احمدی‌نژاد را به نوعی یک کینزین می‌دانم زیرا معتقد به سیاست‌های بلندمدت نیست.

شاکله سیاست‌های احمدی‌نژاد در این هشت‌سال؛ سیاست‌های پولی بود. حتی سیاست‌های مالی هم نبود. عمدتا سیاست‌های انبساطی پولی بود. این سیاست‌ها موجب شد در نیمه‌اول سال ۸۷ رشد اقتصادی متوقف شود. در نیمه‌دوم سال ۸۷ رشد اقتصادی تقریبا منفی شد. در سال‌های ۸۹ و ۹۰ دولت با اتکا به سیلابی از درآمدهای نفتی موفق شد اندکی رشد اقتصادی ایجاد کند. در سال ۱۳۹۰ درآمد نفتی دولت ۱۲۰میلیارددلار بود.

شما مدتی است که در تحلیل سیاست در ایران بر حرکت نیروهای سیاسی از دو قطب چپ و راست به سوی میانه تاکید دارید. اگر قایل به تقدم اقتصاد و مناسبات مادی بر سیاست باشیم؛ چه اتفاقی در حوزه اقتصاد ایران رخ داده که خروجی و تاثیر آن در حوزه سیاست؛ تمایل به میانه‌روی نیروهای سیاسی است؟

من برای این مساله؛ یعنی حرکت سیاست به سوی میانه، یک تحلیل اقتصادی و حتی فراتر از آن یک تحلیل جمعیت‌شناسانه دارم. ما از نیمه دهه ۹۰ آرامش را در فضای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ایران خواهیم داشت. این را هم با یک نگاه جمعیت‌شناسانه می‌گویم. بزرگ‌ترین موج رشد جمعیت در تاریخ ایران در دهه ۶۰اتفاق افتاده است. در این دهه حدود ۱۹میلیون تولد اتفاق افتاد. ۱۹میلیون تولد در دهه ۶۰ معنی‌اش این بود که در ابتدای دهه ۸۰ سالی یک‌میلیون و ۹۰۰هزارنفر به سن ۲۰سالگی می‌رسیدند. خب این به لحاظ اقتصادی یک عدد وحشتناک است. هیچ ظرفیتی در اقتصاد ایران در هیچ دوره‌ای متصور نیست که بتواند این جمعیت را جذب کند. در دهه ۸۰ سالی یک‌میلیون و ۲۰۰ تا یک‌میلیون و ۴۰۰هزارنفر جویای کار، وارد بازار کار می‌شدند که خود این مساله بزرگ‌ترین منبع تزریق بی‌ثباتی به جامعه بود. افزایش درآمدهای نفتی در اوایل دهه ۸۰ موجب شد که دولت تا حدودی این مساله را کنترل کند و بخشی از متقاضیان کار، جذب بازار کار شدند اما همه آن نیروها جذب بازار کار نشدند و تقریبا بسیاری از جوانان و عموم خانواده‌ها با معضل بیکاری تعدادی از اعضای خانواده دست‌به‌گریبان بودند. مقدار زیادی از این متقاضیان شغل سرریز کرد به دولت آقای احمدی‌نژاد، که می‌بینیم آن موج نارضایتی ایجاد شد.

> **اکنون شاهد هستیم کارگران و کارفرماها به لحاظ سیاسی متحد شده‌اند. این در تاریخ ایران خیلی سابقه ندارد. چون ملت ایران علاوه بر فشارهایی که در سال‌های اخیر تحمل کرد، به درک سیاسی بسیار بالا هم دست پیدا کرد که با توجه به این درک سیاسی متوجه می‌شود که ریشه گرفتاری‌اش از کجاست**

اما آغاز دهه ۹۰ و در سال ۱۳۹۰ شاهد هستیم که ورودی نیروی کار به بازار کار دقیقا نصف می‌شود و این در تمام دهه ۹۰ تداوم خواهد داشت. این کاهش شدید متقاضیان شغل؛ قطعا تبعات عمیق سیاسی و اجتماعی خواهد داشت. از این به بعد جامعه کمتر نگران و ملتهب خواهد بود و به سوی یک آرامش اجتماعی خواهد رفت. به نظر من اگر کسی به این واقعیت جمعیت‌شناسی توجه نکند، به درستی نمی‌تواند مسیر تحولات ایران را در عمق بفهمد. بنا بر این شاهدیم که از ابتدای دهه ۹۰ به یکباره ورودی نیروی کار نصف می‌شود و جامعه از این حیث آرام می‌شود. از طرف دیگر نیروهای مولده جامعه در دو حوزه صنعت و کشاورزی هم به سوی یک عقلانیت و ثبات تمایل پیدا کرده‌اند و این طبعا موجب می‌شود که نیروهای سیاسی که جامعه را نمایندگی می‌کنند هم طبعا به سوی کنارگذاشتن افراط‌ها و حرکت به سوی میانه گام بردارند. چون جامعه با حرکت‌های تند همراهی نخواهد کرد. هم رادیکالیسم راست و هم رادیکالیسم چپ اکنون میل به مرکز و میانه دارند.

آقای روحانی پس از مشخص‌شدن نتیجه انتخابات بیانیه‌ای صادر کردند که در آن از آغاز یک دوران نوین سخن گفتند. به نظر شما این دوران نوین در حوزه اقتصاد چه مختصاتی خواهد داشت؟

در اقتصاد به نتایجی منجر خواهد شد که ما مشابه آن را در ترکیه و مالزی و اقتصادهای نوظهور آسیایی شاهد بودیم؛ یعنی خواهید دید که با فروکش‌کردن منازعات سیاسی، مقدار بسیار زیادی از دلارهای نفتی که در سال‌های اخیر به اقتصاد ایران وارد و به انحای مختلف سرمایه‌گذاری شد و به بهره‌برداری درستی نرسید یا در قالب واردات به خارج کشور رفت، شروع می‌کند به برگشت و جذب‌شدن مجدد در اقتصاد ایران و این یک زمینه‌ای از رشد اقتصادی پایدار را فراهم می‌کند. به اعتقاد من به جز چین، تنها کشوری که در آسیا به‌طول بیش از یک‌دهه ظرفیت رشد اقتصادی دورقمی را دارد، ایران است. بسیار امیدوار هستم با توجه به همه سرمایه‌گذاری‌های سخت‌افزاری و نرم‌افزاری که در دودهه اخیر در اقتصاد ایران صورت گرفته در کنار حل‌وفصل مشکلات سیاست خارجی، بتوانیم یک رشد اقتصادی انفجاری ایجاد کنیم. این مستلزم این است دولتی که تشکیل می‌شود دولت نجات ملی، وحدت ملی و آشتی ملی باشد. اگر ما در داخل متحد باشیم، مساله هسته‌ای هم به‌سادگی قابل حل است.

با توجه به مناسبات فعلی «اقتصاد سیاسی» ایران، موانع پیش‌روی دولت آقای روحانی برای بسط آزادی‌های اقتصادی را چه مواردی می‌دانید؟

یکی از موارد بسیار ضروری برای رشد اقتصادی ایران، افزایش بهره‌وری است. اقتصاد دولتی یعنی اتلاف منابع. افزایش بهره‌وری مستلزم میداندارشدن بخش خصوصی و ارتقای آزادی‌های اقتصادی است. این مستلزم خروج نیروهای غیرمرتبط از حوزه اقتصاد است. آقای روحانی با یک رویکرد تعاملی باید بتواند مقامات تصمیم‌گیر را متقاعد کند که نفع کشور و حکومت در این است که هر نیرویی در حوزه خودشان فعال باشند نه در حوزه اقتصاد. عزت و احترام نیروها در رقابت‌کردن و کنارزدن بخش خصوصی نیست، بلکه احترام و عزت نیروها در این است که حافظ امنیت ملی و حافظ رونق و رشد اقتصادی ایران در پرتو امنیت پایدار باشند.

به نظر شما با اتمام این قرن خورشیدی، ایران در سال ۱۴۰۰ قرن جدید را با چه ویژگی‌ها و مختصاتی آغاز خواهد کرد؟

به نظر من تمام نیمه‌دوم دهه ۹۰، نیمه ایران خواهد بود. از سال ۱۳۹۴ عصر ایران به لحاظ اقتصادی شروع می‌شود. در سال ۱۴۰۰ ایران یک کشور نیرومند در حوزه‌های گوناگون خواهد بود و این سخن من یک خوش‌بینی ناشی از هیجان‌زدگی نیست.

گزارش

احیای سازمان مدیریت

فقط با تغییر نام احیایی صورت نمی‌گیرد

● **ایسنا:** احیای سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی یکی از برنامه‌های رییس‌جمهور منتخب است که در اظهارات انتخاباتی خود و همچنین در اولین نشست خبری‌اش بر آن تاکید کرده است. حسن روحانی با بیان اینکه اصل بر این است که سازمان برنامه و بودجه احیا شود اما دراین‌باره یک عضو این سازمان معتقد است که تغییر ماهیت با تغییر اسم تشکیلات اصلاح نمی‌شود، اظهار کرد: آنچه اهمیت دارد استفاده از نیروهای متخصص و کارشناس در بدنه یک سازمان است. سازمان برنامه‌وبودجه نخستین‌بار در ایران در سال ۱۳۲۷ همزمان با تصویب برنامه هفت‌ساله عمرانی اول با نام سازمان برنامه پایه‌گذاری شد. وظیفه این سازمان، نظارت و مراقبت در اجرای برنامه بود و تحت نظر یک شورایعالی، یک هیات نظارت و یک مدیرعامل فعالیت می‌کرد. اما سازمان برنامه‌وبودجه در تیر سال ۱۳۷۹ با سازمان امور اداری و استخدامی کشور ادغام و از این ادغام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور تشکیل شد. در سال ۱۳۸۶ نیز شورایعالی اداری در یکصدوسی‌وسومین جلسه خود، در راستای تحقق چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ و سیاست‌های کلی نظام و برنامه چهارم توسعه و به منظور حسن اجرای اصول ۶۰، ۱۲۴ و ۱۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و اجرای مفاد ماده ۱۵۴ برنامه چهارم توسعه تصویب کرد که معاونت نظارت و هماهنگی بر سیاست‌های اقتصادی و علمی معاون اول رییس‌جمهور، معاونت هماهنگی و نظارت راهبردی نهاد ریاست‌جمهوری، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور و موسسات وابسته آن، با تمام وظایف و اختیارات و مسوولیت‌ها و دارایی و تعهدات و اعتبارات و امکانات و نیروی انسانی، ادغام و با عنوان دو معاونت به نام‌های «معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور» و «معاونت توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رییس‌جمهور» فعالیت می‌کنند. اما درباره احیای مجدد این سازمان دکتر محمد کردبچه با بیان اینکه هنوز در بسیاری از قوانین نام سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی وجود دارد و تغییری صورت نگرفته است، به خبرنگار ایسنا گفت: احیای مجدد این سازمان با مصوبه شورایعالی اداری ممکن خواهد بود و بعید به نظر می‌رسد که به مصوبه مجلس شورای اسلامی نیاز باشد.